

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/08/12

چگونگی تشریح اذان در کتاب های فقهی اهل سنت :

معمولاً در منابع روایی شاید يك نوع روایاتی نقل کنند؛ ولی در منابع فقهی به آن روایات فتوا ندهند در حالی که آنچه برای ما ملاک است آراء فقهای اهل سنت است. گرچه ما به روایات هم استناد می کنیم؛ ولی اگر روایتی مورد اعراض فقها بود در مقام مناظره آن روایت به کار نمی آید. شما ده تا روایت نقل می کنید، او می گوید: این روایات معرض عنه فقهای ما است. و بلا فاصله شما را خلع سلاح می کند و لذا می رویم سراغ کتاب های فقهی آنها. قبل از این که وارد کتاب های فقهی بشویم، باید کتاب های فقهی آنها را بشناسیم. دقت کنیم که کتاب های فقهی را بر طبق وفات بزرگان شان ملاک قرار بدهیم. مثلاً: اولین مذهبی که تأسیس شد، مذهب ابوحنیفه بود. ابوحنیفه متوفای 150 هـ و معاصر امام صادق علیه السلام است. ملاقات های متعددی با امام صادق علیه السلام داشته است و دوسالی که امام صادق به کوفه هجرت کردند، در آن دو سال ابوحنیفه پای درس امام صادق می نشست و این تعبیر را نیز دارد که:

لو لا السنتان لهلك النعمان.

اگر آن دو سال درس خواندن من در مکتب امام صادق علیه السلام نبود هرآینه من هلاک شده بودم.

مختصر تحفه اثنا عشریه، آلوسی، ص 8 و 9.

این مطلب را در معتبرترین کتابی که از اهل سنت دیدم، مختصر تحفه اثنا عشریه آلوسی، صفحه 8 و 9 بود و از این معتبرتر ندیدیم. در منابع شیعه الی ماشاء الله است؛ ولی به درد مناظره نمی خورد.

تحفه اثنا عشریه از اخبث خبائث وهابی ها است. شاید کمتر فرد رذل و پستی مثل دهلوی وجود داشته باشد. او در این کتابش تا توانسته به شیعه بد و بیراه گفته و همان حرف های ابن تیمیه و ابن روزبهان را به همراه فحش و اهانت تکرار کرده است. و چون این کتاب دوازده فصل است، اسمش را تحفه اثنا عشریه گذاشته است.

مرحوم قاضی میر حامد حسین در کتاب عبقات الانوار جواب او را داده است. و چون کتاب تحفه اثنا عشریه، مفصل بوده است آلوسی آمده و آن را مختصر کرده است.

کتاب های فقهی مذهب حنفیه :

کتاب های مشهور احناف، تقریباً اولین کتابی که نوشته شد، عبارت است از الجامع الصغیر شیبانی است که در حقیقت از شاگردان ابوحنیفه و متوفای 189 هـ بوده است که اخیراً در دو جلد چاپ شده است. بعد از آن در درجه بعدی اهمیت مبسوط سرخسی قرار دارد؛ چون این کتاب نزدیک 23 جلد است و غالباً تلاش می کند اقوال دیگر فقها را هم نقل و هم نقد کند. سرخسی متوفای 483 هـ است.

بعد از آن کتاب البدایع والصنایع کاشانی متوفای 587 هـ است. این کتاب نیز از کتاب های مفصل فقه حنفی است. بعد از آن البحر الرائق ابن نجیم مصری، متوفای 970 هـ است. بعد از آن الدر المختار حصکفی متوفای 1088 هـ است. آخرین کتابی که از احناف است و مورد عنایت حنفی ها است، ردّ المختار فی شرح الدر المختار، ابن عابدین است که این کتاب الآن در میان احناف ایران، جایگاه ویژه ای دارد. این کتاب، کتاب فقهی استدلالی است.

کتاب های فقهی مذهب شافعیه :

مفصل ترین کتابی که بنده مراجعه می کنم، کتاب المجموع للفتاوی، نووی متوفای 676 هـ است. نووی از قهرمانان شافعی مذهب ها است. قبل از ابن حجر عسقلانی که او خریط فن است و اصلا حافظ علی الإطلاق اهل سنت است. ابن حجر کتاب فقهی مفصلي ندارد. تنها کتابی که ایشان در فقه نوشته است، تلخیص الحبیر است. المجموع نووی حدود 27 جلد است.

البته سیوطی هم که یکی دیگر از قهرمانان اهل سنت متوفای 911 هـ است. ایشان هم شافعی مذهب است و تقریبا نوآوری های زیادی در ادبیات، درایه و... دارد. حتی گفته اند: وقتی سیوطی از دنیا رفت، اهل سنت گفتند: که علم رسول الله در زیر خاک دفن شد و دیگر مادری همانند سیوطی را نخواهد زائید. ایشان هم يك کتاب کوچکی دارد به نام الحاوی للفتاوی.

کتاب های فقهی مذهب حنبلیه :

در رابطه با حنابله عرض کرده ایم که مفصل ترین کتاب فقهی آنها که تمام آراء فقهایی حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی را دارد، با نگاه حنبلی مذهب، المغنی، ابن قدامه متوفای 620 هـ است. حدود 28 جلد کتاب قطور چاپ شده است. خود وهابی ها نیز به فتاوی ابن قدامه ارزش ویژه ای قائل هستند. الفتاوی الکبری ابن تیمیه، 728 هـ است که عزیزان از این کتاب غافل نشوند. اهل سنت برای سخنان او بیش از سخنان پیامبر ارزش قائل هستند. بعد از او شاگردش ابن قیم الجوزیه و ناشر افکار او است که کتابی دارد به نام اعلام الموقعین که این هم کتاب فقهی استدلالی است. البته الفتاوی الکبری فقه تنها نیست؛ یعنی تمام آراء ابن تیمیه هم در فقه هم در حدیث هم در عقائد و اخلاق آمده است. یعنی هر رطب و یابسی (تر و خشکی) که شیطان در ذهن او القاء کرده، در این کتاب آورده است.

کتاب های فقهی مذهب مالکیه :

در رابطه با مالکی ها، تنها کتابی که مورد توجه همه مالکی های جهان است، کتاب *بداية المجتهد ابن رشد اندلسي قرطبي*، متوفای 595 هـ است. که تقریباً شبیه لمعه و شرح لمعه ما و شبه استدلالی است. قبل از ایشان کتابی نوشته اند به نام *المدونة الكبرى* که در حقیقت شرحی است مفصل بر آراء فقهی مالک بن انس. درحقیقت کل آراء مالک بن انس را در آن جمع کرده اند. تقریباً حالت روایی فقهی دارد. و همچنین ابن عبد البر قرطبی، صاحب کتاب *الإستیعاب*، متوفای 463 کتابی دارد به نام *الكافي في فقه اهل المدينة*. این هم حدود هشت نه جلد است. جدیدترین کتابی که اینها نوشته اند، مال زرقانی، متوفای 1122 هـ شرح زرقانی است.

دوستان اگر خواستند مراجعه کنند، دو کتاب را ملاک قرار بدهند، یکی *المدونة الكبرى*، یکی *بداية المجتهد*. این دو تا کتاب کنار هم قرار بگیرد، تقریباً آراء مالکی ها یافت می شود.

کتاب های فقهی مذهب ظاهریه :

در کنار این چهار مذهب، مذهب ظاهریه است که زمانی طرفداران زیادی داشت. ظاهری ها در حقیقت اهل حدیث و مخالف همه مذاهب هستند. در رأس ظاهری ها ابن حزم اندلسی، متوفای 456 هـ است که کتاب های متعددی دارد. مفصل ترین کتاب ایشان *المحلي* است که در 11 جلد می باشد. در این کتاب به همه فقهای اهل سنت به جز احمد بن حنبل حمله می کند. خود علمای اهل سنت دل خوشی از ابن حزم ندارند؛ چون قلم خیلی تندی دارد. حتی می گویند قلم ابن حزم و شمشیر حجاج به منزله دو تیغه قیچی هستند. کمتر فقیه اهل سنت است که از نیش قلم ابن حزم اندلسی در امان باشند.

مذهب ظاهریه مذهب مستقلي است که عمدتاً ناشر آن نیز خود ابن حزم اندلسي بوده است. نسبت به صحابه هم خیلی تند است و حتی بحث مفصلي دارد که فتوای صحابه نمی تواند برای ما ملاک باشد. بعضی از صحابه در زمان پیامبر فتوی می دادند، مورد اعتراض پیامبر واقع می شد، صحابه ای که در زمان خود پیامبر فتوایشان مورد اعتراض آن حضرت بوده چطور بعد از پیامبر می تواند برای ما حجت باشد. یا بعضی از صحابه فتوی صادر می کردند و بعضی دیگر آنها را تکذیب می کردند، آیا آن کسی که فتوی داده است، صادق است یا کسی که تکذیب کرده است؟

نظر ابن حزم راجع به صحابه نزدیک به نظر شیعه است. بر علیه شیعه نیز خیلی حرف زده و هر چه لاطائلات است به شیعه نسبت داده است. مرحوم علامه امینی در الغدير يك فصل مفصلي دارد در نقد عقائد ابن حزم اندلسي بر ضد شیعه.

ایشان در جلد 11 کتاب المحلي، صفحه 224، کتاب الحدود باب حد المرتد، روایتی دارد در رابطه با کسانی که قصد ترور پیامبر را داشتند. 12 نفر از صحابه در مراجعه از جنگ تبوك قصد ترور حضرت را داشتند.

أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَطَلْحَةَ وَسَعْدَ بْنَ أَبِي وَقَاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَرَادُوا قَتْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْقَاءَهُ مِنَ الْعَقَبَةِ فِي تَبُوكَ

ابوبکر و عمر و عثمان و طلحة و سعد بن أبي وقاص نقشه کشیده بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را در مسیر بازگشت از جنگ تبوك به پایین پرتاب کنند.

المحلي، ج 11، ص 224، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد الوفاة: 456، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي.